

آسیب‌شناسی اجتماعی علل و عوامل شکل‌گیری هویت در جوانان بر مبنای قرآن و روایات

فاطمه قربانی^۱

چکیده

در شکل‌گیری هویت جوان، عناصر پیدا و پنهان بسیاری مؤثر هستند، اما تأثیر گروه‌های مرجع بر روند هویت‌سازی جوانان و جامعه‌پذیری آنان چندان شفاف نیست. موضوعی که تاکنون از منظر آسیب‌شناسی اجتماعی مورد بررسی قرار نگرفته است و این پرسش که گروه‌های مرجع به‌عنوان یک عامل اجتماعی چه تأثیری بر هویت جوان دارد، همچنان نیازمند پاسخ‌گویی است. با توجه به علل درونی و بیرونی تأثیرگذار در تکوین هویت جوان، نقش گروه‌های مرجع در جامعه‌پذیری جوان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. غرض از این پژوهش، شناخت آسیب‌های اجتماعی ناشی از تأثیر گروه‌های مرجع بر جوانان و مصونیت‌بخشی به آنان می‌باشد. این مقاله با رویکرد درون‌دینی و در مراجعه به آراء، استنادی و در تحلیل محتوا، توصیفی-تحلیلی است. مهم‌ترین راهکارهای پیشنهادی در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی (مریدپروری، بحران هویت) ناشی از فقدان الگوهای مناسب، را می‌توان به تحقیق و شناسایی جامع و همه‌جانبه از مسأله، کنترل اجتماعی، ایجاد خودباوری، افزایش توان تفکر و تعقل در میان جوانان، ارائه الگوهای دارای اعتبار و جذابیت (الگوهای عملی)، توجه به تغییر و تحول عنصر زمان و مکان، بهره‌گیری از شیوه‌های علمی و روش‌های معقول و مشروع تبلیغات رسانه‌ای دانست.

واژگان کلیدی: آسیب، گروه‌های مرجع، الگو، جوان، هویت

^۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران شمال

مقدمه

مجموعه‌ای از عوامل درونی (روانی، ژنتیکی) و عوامل تأثیرگذار بیرونی (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و...)، هویت یک فرد را تشکیل می‌دهد. شخصیت هر فرد کل خصایص بدنی، فکری، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی اعم از موروثی یا اکتسابی و همچنین عوامل تأثیرگذار بیرونی - در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی - می‌باشد، به طور آشکار وی را از دیگران متمایز می‌کند. عامل اجتماعی در درون خود به مؤلفه‌های متعددی چون خانواده، نظام آموزشی، گروه‌های مرجع (هم سالان، الگوها)، رسانه‌های جمعی و ده‌ها عامل دیگر تقسیم می‌گردد که هر یک از این عوامل می‌تواند به نوعی و تا حدی در تکوین هویت فرد تأثیرگذار باشد و فرد به درونی‌سازی آن بپردازد؛ و این تأثیر همواره یکسان و به یک اندازه نیست. گاهی یک مؤلفه چنان اهمیت پیدا می‌کند که دیگر مؤلفه‌ها را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد.^۱

البته باید در نظر داشت که متغیرهای یاد شده هرگز تعیین کننده افعال اختیاری بشر نیستند، بلکه فقط زمینه‌ساز گزینش و اختیار انسانند. شخصیت انسان ساخته و پرداخته رفتار اختیاری خود اوست و چون عامل مباشر در رفتار اختیاری، اراده آزاد شخص است، باید گفت که اراده، سهم اساسی و درجه اول را در شکل‌گیری و تحول شخصیت و سرنوشت انسان دارد. دوران جوانی به دلیل برخورداری آدمی از فطرت پاک و گرایش به آرمان‌های انسانی، مناسب‌ترین دوره برای معرفی و بهره‌گیری درست از گروه‌های مرجع می‌باشد.

در باره نقش گروه‌های مرجع در انتقال ارزش‌ها و چگونگی اثرگذاری آن بر افراد به ویژه نسل جوان، کمتر سخن به میان آمده است. نوشتار حاضر در صدد پاسخ دهی به این پرسش است که علل و عوامل مؤثر در هویت جوانان چیست؟ و تأثیرات مثبت گروه‌های مرجع و آسیب‌های حاصل از آن در میان جوانان چگونه است؟ به همین منظور نگارنده با استمداد از قرآن و روایات اسلامی، به طور مختصر به برخی از ویژگی‌های جوانی و نمونه‌های الگویی پرداخته است و ضمن اشاره به علل و عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت جوان، گروه‌های مرجع را به عنوان یکی از منابع مهم جامعه-پذیری در نظر گرفته و آسیب‌های حاصل از انتخاب نادرست گروه‌های الگو را مطمح نظر قرار داده است و در پایان به برخی راهکارها برای دور ماندن از این آسیب‌ها اشاره می‌نماید.

مفاهیم:

آسیب

به معنای آفت، بیماری، اختلال و خطر آمده است. در فرهنگ فارسی "آسیب، زخم، عیب و نقص، درد، رنج^۲ و آسیب-شناسی شناخت درد و رنج و خسارت^۱ معنا شده است. آسیب‌شناسی Pathology در اصطلاح مشتق از کلمه

^۱. شهریار، نسب، ص ۱۱۸

^۲. معین، ج ۱، ص ۵۸

یونانی *pathos*^۲ به آن دسته از علل و اختلالاتی اطلاق میشود که وجودشان تداوم و حرکت پدیده ای را تهدید می کند و آن را از رسیدن به اهداف و آرمانش باز می دارد و یا از کارآیی لازم می اندازد. برخی در تعریف آسیب گفته اند "منظور از آسیب عاملی است که سبب اختلال و ناهنجاری ها و آفت در پدیده ها می شود و گاهی به خود اختلالات آسیب گفته می شود".^۳ آنچه ما از واژه "آسیب شناسی" مد نظر داریم، اصطلاحی است که در ترجمه ی واژه ی پاتولوژی (Pathology) آمده است.

آسیب شناسی اجتماعی

در اصل از واژه ها و اصطلاحات جامعه شناسی و مبتنی بر استعاره ای است که در آن افراد جامعه به اجزای کالبد تشبیه می شوند که می توانند موضوع آسیب و بیماری باشند. همین مشابهت کالبد انسانی با کالبد جامعه و بیماری های عضو با انحرافات اجتماعی، موجب بکار بردن اصطلاح آسیب شناسی اجتماعی برای مطالعه و ریشه یابی ناهنجاری ها و بی-نظمی های اجتماعی در میان جامعه شناسان گردید.^۴ آسیب شناسی اجتماعی مطالعه آسیب های وارد شده به جامعه و گروه های انسانی است،^۵ که به بررسی انواع مشکلاتی می پردازد که در سطح اجتماعی مطرح است. اندیشمندان علوم اجتماعی سعی می کنند علل مختلف آسیب های اجتماعی را از جنبه های مختلف فردی، اجتماعی و غیره مورد بررسی قرار دهند. در علم جامعه شناسی، واژه های جرم، بزهکاری، کجروی یا انحراف که نظم، صلح و آرامش اجتماعی را مختل سازد و قانون نیز برای آن مجازاتی تعیین کرده باشد، [آسیب اجتماعی] گفته می شود.^۶

جامعه شناسان انحراف از هر نوع هنجار اجتماعی و هر اختلال کارکرد نظام اجتماعی را به گونه ای به مبحث آسیب-شناسی اجتماعی ربط داده اند و مباحث مربوط به انحرافات، ناهنجاری ها، اختلالات رفتاری، بزهکاری و به طور عام مسائل و مشکلات اجتماعی را تحت مبحث کلی تری به عنوان آسیب شناسی مطرح می کنند^۷ و در بررسی ناهنجاری ها فقط ناهنجاری های خلاف قانون را در نظر نمی گیرند، بلکه معنای وسیع تر را در نظر گرفته و هر رفتاری که به نحوی

^۱ عمید، ج ۱، ص ۴۴

^۲ آریانپور، ذیل واژه

^۳ حاجی، ج ۴، ص ۴۳۳

^۴ فولادی، ص ۳۶

^۵ وثوقی، ص ۱۲۷

^۶ محسنی تبریزی، ص ۲۵

^۷ سهراب زاده، ص ۱۵

هنجارهای اجتماعی مهم جامعه را نادیده گیرد، اعم از این که برخلاف قانون باشد یا نباشد، مورد بررسی قرار می‌دهند. به این نوع هنجارشکنی "کجروی یا انحراف" گفته می‌شود.^۱

آسیب‌شناسی اجتماعی از دیدگاه اسلام

آسیب‌شناسی اجتماعی از دیدگاه اسلام، به عنوان یک ایدئولوژی توحیدی، رنگی جامع و جهانی به خود می‌گیرد و در ارتباط با قوانین تکوینی و تشریحی پروردگار سبحان معنادار می‌شود. به عبارت دیگر تمامی پدیده‌های اجتماعی که به نحوی ناقض قوانین الهی و معارض با سعادت دنیوی و کمال اخروی انسانها است، از نظر اسلام آسیب اجتماعی تلقی می‌گردد. طبق این دیدگاه در عالم واقعیات، جز حق وجود ندارد و حق فقط از آن خداست، لذا هر چیزی به میزان ظرفیت خود نسبت به حق، سهمی از حقیقت و اعتبار خواهد داشت. بر این مبنا، قواعد و اصول اجتماعی، کتاب خدا، سنت پیامبر(ص)، سخن و سیره معصومین(ع) و حکم عقل می‌باشد، و هر چه از این چارچوب خارج شود و ارزش‌های مورد نظر آن را به رسمیت نشناسد، به عنوان انحراف محسوب می‌شود. "وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ"^۲ همانا این است راه مستقیم من، پس از آن پیروی کنید.

بنابر این می‌توان انحراف اجتماعی از دیدگاه قران را چنین تعریف نمود "هر نوع ایده، ارزش و رفتاری که بر خلاف شریعت الهی و کمال انسانی بوده و از جامعه و روابط اجتماعی برآمده و پیامد آسیبی خود را در آن بر جای گذارد، انحراف اجتماعی خواهد بود.^۳ شاید یکی از جامع‌ترین آیاتی که هنجارها و ناهنجاری‌های اصولی اجتماعی را نشان می‌دهد، این آیه باشد "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ"^۴ همانا خدا شما را به عدل و احسان و اعطاء به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از افعال زشت، منکر و ظلم بر حذر می‌دارد، شما را چنین موعظه می‌کند تا شاید متذکر شوید.

دوران جوانی

جوانان همواره کانون توجه مصلحان و آماج تهاجم مفسدان بوده‌اند، زیرا عالم جوانی همان‌گونه که منشأ شورانگیزترین تجلیات عاطفی، روحی و بالندگی است، در معرض فتنه‌انگیزترین آسیب‌های فردی، اخلاقی و اجتماعی نیز هست. بر این اساس، غفلت از تربیت و هدایت نسل جوان، موجب خسران و مایه حرمان دولت‌هاست. در دنیای امروز که به

^۱ مهدوی، ص ۹

^۲ انعام/ ۱۵۳

^۳ آقا جانی، ۱۳۸۱

^۴ نحل/ ۹۰

تدریج ارزش‌های انسانی تضعیف می‌شود و آسیب‌های اجتماعی تشدید می‌گردد، ضرورت دارد که برای هدایت و حمایت نسل جوان اقداماتی سریع و جدی آغاز گردد^۱. دوران جوانی، مرحله حساسی از زندگی انسان است که در آن طراوت، نشاط و امیدواری با ظرافت، التهاب و دشواری در هم آمیخته است. تحولات جسمانی، هیجانات روانی، نوسانات عاطفی، تمایلات غریزی و تعارضات درونی دائماً ذهن و خاطر جوانان را به خود مشغول می‌کند و بر رشد فرهنگی و اجتماعی آنان تأثیر می‌گذارد. دوران جوانی سرشار از عاطفه، ملاحظت و معرفت است^۲.

قرآن دوره جوانی را دوره شدت و جدت تعبیر نموده است، دوره ای که جوان از دو طرف در محاصره ضعف و ناتوانی می‌باشد، در آن تمایل به آرمان‌ها و آرزوهای ارزشمند و ارج‌گذاری به حقوق والدین تجلی می‌یابد^۳. همچنین این دوران را دوران قوت و قدرت می‌نامد "اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً"^۴ خدا همان کسی است که شما را آفریده در حالی که ضعیف بودید، سپس بعد از این ضعف و ناتوانی قوت بخشید و باز بعد از قوت، ضعف و پیری قرارداد. در مورد سن جوانی از منظر قرآن مرز خروج از دنیای کودکی، رسیدن به مرحله بلوغ حُلُم است "وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ"^۵ و آن گاه که اطفال شما به حد بلوغ و احتلام رسیدند باید مانند سایر بالغان، البته با اجازه وارد شوند.

این مرحله آغاز نوجوانی است و پس از آن انسان به مرحله جوانی می‌رسد که به تعبیر قرآن «مرحله بلوغ آشد^۶ نامیده شده است که اوج کمال جسمی و عقلی است. از آیات دیگر قرآن چون آیه ۵ سوره حج و ۶۷ سوره غافر استفاده می‌شود که پایان اوج جوانی، نقطه آغازین منحنی نزول زندگی انسان است. در این دوره [مرحله نوجوانی تا جوانی] از زندگی جوان، هنوز آرایش عادت‌ها، دلبستگی‌های مادی و زمینی، باورهای سنتی نایسته و دامنگیر آن نشده است، اگر کمبودی دارد، کمبود تجربه و آگاهی است. امام علی (ع) خطاب به یکی از کارگزارانش می‌فرماید: "إِذَا احْتَبَتِ إِلَى الْمَشُورَةِ فِي أَمْرٍ قَدْ طَرَأَ عَلَيْكَ فَاسْتَبَدَّ بِبِدَايَةِ الشُّبَّانِ، فَإِنَّهُمْ أَحَدٌ أَذْهَانًا وَ أَسْرَعُ حُدْسًا ثُمَّ رُدَّةٌ بَعْدَ ذَلِكَ

^۱ احمدی، ج ۲، ص ۱۰

^۲ احمدی، ص ۲۴۲

^۳ غافر/۶۷، یس/۶۸، احقاف/۱۵

^۴ روم/۳۰

^۵ نور/۲۴

^۶ احقاف/۱۵

إِلَى رَأْيِ الْكُهُولِ وَالشُّيُوخِ، لَيْسَتَعْقِبُوهُ وَيُحْسِنُوا الْإِخْتِيَارَ لَهُ، فَإِنَّ تَجْرِبَتَهُمْ أَكْثَرُ^۱ هر گاه کاری برای پیش آمد و نیاز به مشورت پیدا کردی، در آغاز آن را با جوانان در میان گذار، زیرا آنها تیز فهم تر و با فراست ترند سپس آن را در معرض نظر سالخوردهگان و پیران قرار ده تا در معرض ارزیابی قرار دهند، چه آنکه تجربه ایشان بیشتر است.

ویژگی های دوران جوانی

ویژگی های جسمانی

الف) اوج غریزه جنسی

بالاترین غریزه ی انسان غریزه شهوت است که اوج آن در دوران جوانی است و بزرگترین مانع رشد یک جوان، شهوت-پرستی و هوای نفس اوست. امام علی(ع) می فرماید: "رُبَّ شَهْوَةٍ سَاعَةٌ تُورِثُ حُزْنَ طَوِيلًا"^۲ هر کس از شهواتش پیروی بنماید، به تحقیق در هلاکت به نفسش کمک کرده است.

ب) توجه افراطی به وضع ظاهری

در سال های اولیه بلوغ به سبب افزایش ترشح هورمون های غدد آندوکرین، تغییرات عمیقی در ارگانیزم بدن بوجود می آید و تعادل نسبی نوجوان به هم می خورد، شکل و حجم بدن تغییر و از حالت کودکی خارج شده و به غالب و اندازه بزرگ سالان نزدیک می شود که آن را به جهش تعبیر می کنند. رشد جهشی مربوط به سال های بلوغ و نوجوانی است که بعد از چهار سال حالت تدریجی به خود می گیرد. به سبب این تغییر و تحولات، نوجوانان توجهی افراطی نسبت به وضع ظاهری خود نشان می دهند و نسبت به چهره ترکیب بدن، تناسب اندام و آرایش ظاهری خود بسیار دقیق می شوند. تمایل به زیبایی و جمال که از خواش های فطری بشر است در نوجوانان و جوانان تظاهر بیشتری دارد.^۳

ویژگی فکری و شناختی

در مطالعات مربوط به رشد عصب شناختی آمده است که رشد دوران بلوغ با رشد مغز نیز همراه است و در نوجوانی تغییراتی در سطوح و عملکردهای مغز به وقوع می پیوندد و از پیامدهای این رشد مغزی رسیدن به مرحله جدیدی از رشد شناختی است که رسیدن به "اندیشه انتزاعی" می باشد و به نوجوان امکان تحلیل مسائل سیاسی و فلسفی را می-

^۱ شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، حکمت ۸۶۶

^۲ کلینی، ج ۲، ۴۵۱

^۳ سلیمانی فر، ص ۵۵

دهد^۱. رشد شناختی انسان از دو طریق ارثی و اکتسابی صورت می‌گیرد؛ یعنی باید هم زمینه‌های ارثی در فرد باشد و هم محیطی، تا او رشد یابد. امام علی (ع) در این رابطه به دو عقل ذاتی و اکتسابی اشاره می‌نماید که عقل اکتسابی فایده‌ای نمی‌بخشد، اگر عقل ذاتی موجود نباشد. همان گونه که در صورت نبودن نور چشم، نور خورشید سودی نمی‌دهد.^۲

در دوره قبل از نوجوانی، ساخت ذهنی کودک قادر[است] به صورت عینی و در حد محدودی بر اساس عملیات منطقی عمل کند، ولی نوجوانی، که دوره استقرار هوش انتزاعی است، واقعیات به صورت بارزتر و آسان‌تر در معرض عملیات ذهنی قرار می‌گیرند. در این دوره نوجوان، به واقعیات محدود تکیه نمی‌کند، بلکه به آن چه در سطح ممکن هست، فکر می‌کند و لذا تا حد زیادی دوره عملیات ذهنی او وسعت می‌یابد.^۳ مهمترین ویژگی‌های رشد شناختی - عقلی را در پیدایش هوش نظری (تفکر انتزاعی)^۴، ظهور استعدادها، شک و تردید^۵ دانسته‌اند

ویژگی‌های فطری و عاطفی

جوانان فطرتی پاک دارند و پاکی‌ها را می‌پذیرند و به آن جامه‌ی عمل می‌پوشانند. پیامبر اکرم (ص) در رابطه با این ویژگی می‌فرماید: "أَوْصِيكُمْ بِالشَّابِّ خَيْرًا فَإِنَّهُمَا أَرْقٌ أَفْنِدَةٌ"^۶ من شما را به نیکی با جوانان توصیه می‌کنم، به سبب این که آنها دلی رقیق، و قلبی فضیلت‌پذیرتر دارند... جوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند. بی‌ثباتی عاطفی، خواهش‌های متضاد و افراط در احساسات از ویژگی‌های عاطفی روانی نوجوانی است. امام علی (ع) می‌فرماید: "لَا يَزَالُ الْعَقْلُ وَالْحَمَقُ يَتَغَالَبَانِ عَلَى الرَّجُلِ إِلَى ثَمَانِي عَشْرَ سَنَةٍ فَإِذَا بَلَغَهَا غَلَبَ عَلَيْهِ أَكْثَرُهُمَا فِيهِ"^۷ پیوسته عقل و حماقت در مزاج نوجوانان تازه بالغ، در جنگ و ستیزند تا بحران بلوغ را پشت سرگذارند و به سن هجده سالگی برسند در آن موقع اگر ساختمان فکری جوان طبیعی و سالم باشد کم‌کم عقل پیروز می‌شود و حماقت شکست می‌خورد و اگر

^۱ احدی، ج ۲، ص ۱۰۲

^۲ مجلسی، ج ۲، ص ۵۳۱

^۳ روان شناسی تربیتی، ص ۱۴۲

^۴ شرفی، ص ۱۱۵

^۵ مطهری، ص ۷

^۶ قمی، ج ۲، ص ۱۷۶

^۷ کلینی، ج ۷۵، ص ۸۲

انسان احمق باشد حماقت بر عقل غالب خواهد شد.^۱ اطلاق "مستی" به دوران جوانی هم ناشی از این بعد وجودی جوان می‌باشد.^۲

ویژگی‌های اخلاقی

انسان در طی مراحل زندگی خود از سنین کودکی که تفکراتش در محدوده محسوسات و امور عینی بوده، فراتر رفته و قابلیت انتزاعی پیدا می‌کند و هم‌زمان با رشد تفکر انتزاعی، رشد اخلاقی نیز گسترش می‌یابد و در این مقطع، توجه انسان به مذهب و دین معطوف می‌گردد. نوجوانی، آغاز ارزش‌ها و ضد ارزش‌هاست و نوجوان در صدد شناخت و تثبیت هویت خود بر می‌آید. قرآن کریم نیز در آیات متعددی به برخی ویژگی‌های اخلاقی جوانان چون آسیب‌پذیر بودن جوان^۳، روحیه فضیلت‌پذیری جوان^۴، حلم و بردباری^۵، حکمت و علم^۶ و اخلاص^۷ و ... اشاره نموده است. امام علی(ع) در وصیت اخلاقی به فرزند خود می‌فرماید: "إِنَّمَا قَلْبُ الْحَدِثِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا الْقَىٰ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبْلَهُ فَبَادِرْتُكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يَقْسُو قَلْبِكَ وَ يَسْتَعْلُ لُبَّكَ"، دل جوان همچون زمین ناکشسته است، هر چه در آن افکنند بپذیرد. پس به ادب آموختن پرداختن پیش از آنکه قلب و دل تو سخت و خرد تو به مطالب دیگر مشغول گردد.^۸ در سخنان مذکور از امام علی(ع) به بعضی از ویژگی‌های جوان همچون رقیق و نرم بودن قلب، پاکی و سلامت انگیزه‌ها، نفس و روح بدون انحراف و علم و تجربه محدود و اندک اشاره شده است.

علاوه بر ویژگی‌های یاد شده، در کتاب‌های روان‌شناسی نوجوانان و جوانان و منابعی که به بررسی مسائل و مشکلات جوانان می‌پردازند، خصوصیات دیگری مثل: جرأت و جسارت، تلاش و تحرک، حریت و آزادی‌خواهی، امید و آرمان‌گرایی، عاطفه و لطافت، غرور و غلبه‌جویی، احساس شخصیت و منزلت‌طلبی، رفاقت و رقابت، پرسش‌گری،

^۱ فلسفی، ج ۱، ص ۱۳۲

^۲ امام علی (ع): اصناف السكر اربعة: سكر الشباب، سكر المال، سكر النوم و سكر الملك؛ تحف العقول، ص ۱۲۷.

^۳ کهف/۷۴، یوسف/۵

^۴ انبیاء/۵۱

^۵ صافات/۱۰۲

^۶ یوسف / ۲۲-۲۴

^۷ یونس/۸۲

^۸ نهج البلاغه، نامه ۳۱

بلوغ، حق جویی و حق گرایی برای جوانان ذکر شده است.^۱ خصوصیات مذکور با تفاوت در مقدار و میزان، ممکن است نقش آسیب‌زایی یا بر عکس نقش آسیب‌زدایی داشته باشند. در بین این خصوصیات، حق جویی و حق گرایی جوان، به دلیل ریشه فطری، از ثبات و استحکام و برجستگی خاصی برخوردار است. بر اساس این ویژگی، جوان به طور مداوم و پیوسته در جستجوی حقیقت است تا به آن گرایش یابد. مکاتب الهی، خصوصاً اسلام به دلیل سرچشمه گرفتن از وحی و مطابقت آن با نیازهای طبیعی و فطری، یکی از مصادیق برجسته حقیقت است. بنابر این توجه به ویژگی حق جویی و حق گرایی جوان، دین و مذهب حق، اگر با روش صحیح به نوجوان و جوان عرضه گردد، با اشتیاق کامل آن را پذیرا می‌شود و با تمام وجود در راه تحقق ارزش‌ها و اهداف آن فداکاری می‌نماید.^۲

ویژگی‌های اجتماعی

رشد اجتماعی یکی از ابعاد شخصیت انسان است و جوانان در این مقطع، نیاز به ایجاد ارتباط با دیگران دارند. ایجاد ارتباط با خانواده و هم‌سالان و دوستان و ارزشیابی دیگران برایشان مهم و آغاز حرکت جوان به سوی روابط پیشرفته اجتماعی است.

* هویت

هویت یک فرآیند راهبردی زمان‌بر است و فرد در طی یک راهبرد طولانی، از دوران کودکی با تأثیرپذیری ناخودآگاه از عوامل و شرایط مختلف به سازمان‌دهی آن اقدام می‌کند. شخصیت یا همان هویت، شامل آموخته‌ها (فرآیندهای تفکر)، هیجانات و عواطف (فرآیندهای احساسی) و رفتارهای شهودی است.^۳

* علل و عوامل شکل‌گیری هویت:

^۱ رجوع شود به این منابع: روانشناسی نوجوانان و جوانان، سید احمد احمدی؛ جوان از نظر عقل و احساسات، ج ۱ و ۲ محمد تقی فلسفی؛ مسایل نوجوانان و جوانان، محمد خدایاری

د- مجله نگاه حوزه، شماره ۴۹، ۵۰ "ویژه دین و جوان" فروردین و اردیبهشت ۱۳۷۸

ه- جوان و رسالت، مجموعه مقالات همایش جوان و رسالت حوزه خصوصاً مقاله "تعریف جوانی"، میر باقری و مقاله روش شناسی رفتار با جوان، صادقی رشاد

^۲ مهدی‌زاده، ص ۱۴۵

^۳ سیاسی، ص ۸۱

همان‌گونه که گذشت، جوانان به لحاظ موقعیت سنی و روان‌شناختی‌شان، دارای ویژگی‌ها و نیازهایی هستند که یکی از نیازهای آنان کسب هویت می‌باشد. جوانان در این مقطع سنی در صدد شناخت خود و ایجاد شخصیت ثابت و مستقل برای خود می‌باشند و سرزمین وجودشان مستعد پذیرش هر گونه بذر و نهالی می‌باشد. هویت اجتماعی جوانان نیز در صورتی کسب می‌شود که نظام اجتماعی از طریق نهادهای واسط خانواده، مدرسه، رسانه‌های گروهی، گروه‌های مرجع و... زمینه‌های لازم برای کسب هویت اجتماعی آنان را فراهم کند. در این صورت جوانان نسبت به نظام اجتماعی خود، احساس هویت اجتماعی خواهند کرد و طبیعتاً گرایش‌های آنان که به سه سطح ایستاری (شناختی و ارزشی)، کنشی (هنجاری و رفتاری) و نمادی (ظاهری) تقسیم می‌شود^۱، بر اساس الگوها و هنجارهای نظام اجتماعی شکل خواهد گرفت در غیر این صورت، نوجوانان نسبت به نظام اجتماعی خود احساس بی‌هویتی خواهند کرد و در نتیجه برای جبران هویت اجتماعی از دست رفته‌شان، از الگوهای هنجاری نظام اجتماعی خود منحرف شده، به منابع دیگر (الگوهای فرهنگ غرب) که متناسب با نیازهای آنها برایشان زمینه‌سازی شده و در فضای زندگی، حول و حوش آنها و در دسترس آنهاست، رجوع خواهند کرد و در نتیجه گرایش‌های ایستاری، کنشی و نمادی آنها نیز متناسب با الگوهای فرهنگ غربی شکل خواهد گرفت^۲.

هدف از بررسی عوامل درونی (روانی، ژنتیکی) و عوامل تأثیرگذار بیرونی (اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی) در هویت جوان، شناسایی و میزان تأثیرگذاری عوامل مذکور می‌باشد که در این مقاله از میان همه عوامل تأثیرگذار بیرونی به عامل اجتماعی پرداخته می‌شود. ویژگی‌ها و عوامل مؤثر بر هویت جوان با بهره‌گیری از تعالیم قرآن و ائمه معصومین (ع) می‌تواند ما را در ایجاد ارتباط هر چه بهتر و بیشتر با جوانان یاری رساند.

عوامل اجتماعی:

از آنجا که جوانان سرمایه‌های اصلی یک جامعه محسوب می‌شوند و خواهان ورود به اجتماع هستند، لذا پرداختن به عواملی که به صورت رسمی و غیر رسمی آنان را آماده زندگی اجتماعی و جامعه‌پذیر شدن می‌کند، امری ضروری به نظر می‌رسد. این عوامل عبارتند از:

خانواده

خانواده یکی از عوامل اجتماعی تأثیرگذار بر جوانان و شکل‌دهنده هویت و شخصیت آنان می‌باشد و اولین الگوهای رفتاری را خانواده به کودک ارائه می‌دهد. به همین جهت بخش عظیمی از سعادت یا شقاوت جوانان و نوجوانان مربوط به خانواده‌های آنان است. بر همین اساس دیدگاه یادگیری اجتماعی، مشاهده، تقلید، همانند سازی به عنوان

^۱ اورت و فلویید، صص ۱۱۴، ۱۱۱

^۲ اشرفی، ص ۴۵

عناصر اساسی در شکل گیری هویت مؤثر میداند همان عنصری که در رفتار اعراب جاهلی مشاهده می‌شد. "وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلَوْكَ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَ لَا يَهْتَدُونَ" و چون کفار را گویند: پیروی از شریعت و کتابی که خدا فرستاده کنید، پاسخ دهند که ما پیرو کیش پدران خود خواهیم بود. آیا بایست آنها تابع پدران باشند گرچه آن پدران بی عقل و نادان بوده و هرگز به حق و راستی راه نیافته باشند؟

خانواده منبع هنجارسازی است و می‌تواند در به فعلیت رساندن هنجارهای اخلاقی و غیر اخلاقی مؤثر باشد. بنابر این نقش خانواده بسیار مهم است و هویت مستحکم نوجوان از عواطف محکم و میزان آزادی وی در خانواده سرچشمه می‌گیرد.^۱ در سال‌های کودکی و نوجوانی، خانواده بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری هویت برعهده دارد و در واقع پایه‌های اولیه شکل‌گیری هویت را والدین و اطرافیان بنا می‌کنند.^۲ اسلام بر اهمیت نقش خانواده در شکل‌گیری هویت جوان تأکید فراوان دارد به گونه‌ای که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: وای بر فرزندان آخرالزمان از شیوه ناپسند پدرانشان، عرض شد یا رسول الله پدران مشرکشان، فرمودند: خیر [بلکه] پدران مسلمانی که چیزی از فرایض [معارف دینی] را به فرزندان‌شان نمی‌آموزند.^۳

در مکتب کارکردگرایی، خانواده نهادی است که وجود و بقای آن وابسته به وظایف و کارکردهایی است که برعهده دارد. بر اساس این دیدگاه مهمترین وظیفه و کارکرد خانواده، اجتماعی کردن اولیه افراد و آماده کردن آنها برای پذیرش قواعد مربوط به زندگی اجتماعی است... بنابر این می‌توان پذیرفت که هر دوره یا هر جامعه خاص، متناسب با نقش‌ها و کارکردهایی که جامعه بر حسب نیازهای خود، به خانواده محول می‌کند، خانواده نیز ضمن ثبات و پایداری شالوده‌های آن، از لحاظ شکل و وظیفه، وضعیت و جهت‌گیری خاصی پیدا می‌کند که آن را از دوره زمانی و یا جامعه دیگر متمایز می‌سازد.^۴ از دیدگاه پارسونز در میان کارکردهای خانواده دو کارکرد اساسی و تقلیل‌ناپذیری (غیر قابل تفویض) وجود دارد که عبارتند از: ۱- اجتماعی کردن اولیه فرزندان ۲- تثبیت تشخیص و هویت در جامعه. پارسونز بر دو فرآیند بنیادی در اجتماعی شدن اولیه تأکید می‌کند ۱- نهادی شدن و درونی شدن فرهنگ جامعه و شکل‌گیری شخصیت ۲- تثبیت شخصیت. بدون درونی شدن فرهنگ و بدون هنجارها و ارزش‌های مشترک، زندگی اجتماعی امکان‌پذیر نخواهد بود اما نکته مهم اینست که فرهنگ به سادگی آموخته نمی‌شود و آموزش اولیه آن نیز فقط از خانواده ساخته است و یا به

^۱ شریفی و کاکاوندی، ص ۳۵

^۲ سیاسی، ص ۸۱

^۳ نوری، ج ۲، ص ۶۲۵

^۴ آزاد ارمکی، ص ۴

سخن دیگر فقط خانواده از عهده این وظیفه بر می‌آید. آن‌گاه که شخصیت شکل گرفت نوبت به تثبیت آن می‌رسد و این دومین کارکرد غیر قابل تفویض خانواده است.^۱

جامعه

جوانی دوران قدم نهادن به عرصه اجتماع است و جوانان خواهان کسب شخصیت اجتماعی می‌باشند و درصدد هستند هر چه زودتر مورد پذیرش جامعه قرار گیرند. به دلیل تأثیر زیاد اجتماع در شکل‌گیری هویت جوان، بر متولیان امر است که شرایط و محیط مناسبی جهت رشد جوانان فراهم آورند زیرا نبود محیط مناسب صدمات جبران ناپذیری را بر جامعه و افراد آن وارد میکند. امام علی (ع) می‌فرماید: "إِذَا خُبَّتِ الزَّمَانُ كَسَدَتْ الْفَضَائِلُ وَ ضَرَّتْ وَ نَفَقَتِ الرِّذَائِلُ وَ نَفَعَتِ^۲ هرگاه زمان [و جامعه] آلوده [و ناپاک] شد، [سجایای انسانی و] فضایل اخلاقی [بی رونق و] زیان آور می‌شود و رذائل و ناپاکیه [در جامعه] رایج و سودبخش می‌گردد. و در جای دیگر فرمودند: "الْأَنْسُ بِزَمَانِهِمْ أَشْبَهُ مِنْهُمْ بِأَبَائِهِمْ"^۳ شباهت مردم به محیط و زمان خودشان در تأثیرپذیری از جلوه‌های فرهنگی حاکم بر جامعه، بیشتر از شباهت به پدرانشان است.

الف) نظام آموزشی

برخلاف خانواده که بیشتر نقش آن در زمینه جامعه‌پذیری، به صورت غیر رسمی و ناخودآگاه است، نقش نظام آموزشی در این خصوص بیشتر رسمی و آگاهانه است. نظام آموزشی از جمله عوامل جامعه‌پذیری برای تبدیل افراد و گروه‌های متشکلت به یک ملت هستند، زیرا قادرند در آن واحد به تعداد بسیار زیادی از افراد دسترسی داشته باشند و به آن‌ها بیاموزند که به یک اجتماع خاص تعلق دارند. در این جاست که نقش ممتاز نظام آموزشی مشخص می‌شود.^۴ اهمیت و جایگاه نظام آموزشی در شکل‌دهی به هویت جوانان به میزانی است که امام خمینی (ره) یک هفته پس از پیروزی انقلاب اسلامی در پیام خود به این امر اشاره فرمودند: "کتابهای درسی را چه دبستانی و چه دبیرستانی و چه دانشگاهی، تغییر اساسی داده و آنچه را از عکس و مطالبی که به نفع استعمار و استبداد است تصفیه کنید و دروس انقلابی، اسلامی که بیچه‌های ما را بیدار و جوانان ما را مستقل و آزاده بار آورد جایگزین آن کنید.^۵

^۱ هارالمبوس، صص ۳-۳۳۲

^۲ ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۱۲۷۰

^۳ خصائص الأئمة (ع)، ج ۱، ص ۱۱۵

^۴ روسکین، ص ۱۴۴

^۵ امام خمینی، ج ۵، ص ۹۹

ب) گروه‌های مرجع

در فرآیند شکل‌گیری، نگرش، تصمیم‌گیری و کنش افراد در جامعه، متغیرهایی چند نقش دارند. از جمله مهمترین آن‌ها افراد یا گروه‌های مرجع‌اند که مبنا و معیار داوری و ارزیابی کار کنش‌گران اجتماعی قرار می‌گیرند. خاستگاه گروه مرجع، در روانشناسی اجتماعی است.، زیرا اولین کسی که اصطلاح گروه مرجع را بکار برد، یک روانشناس اجتماعی بنام "هایمن" در سال ۱۹۴۲ بود. گروه‌های مرجع، گروه‌هایی هستند که فرد در صدد کسب عضویت آن‌هاست یا حداقل از حیث ذهنی و روانی پیوستن به آن‌ها را آرزو می‌کند. بنابر این ارزش‌ها و هنجارهای گروه مرجع یک فرد، مهم‌ترین تکیه‌گاه او را در شکل‌گیری هویت فردی و اجتماعی‌اش تشکیل می‌دهد.^۱ قرآن کریم در کنار توجه دادن به مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، از اهمیت گروه‌های مرجع سخن گفته است و گروه‌های مرجع را به دو دسته کلی تقسیم می‌کند: گروه‌های مرجع حق و گروه‌های مرجع باطل. و برای هر دسته‌ای، شاخص‌ها و مصادیقی را معرفی می‌کند تا انسان‌ها را در فضایی واقع بینانه قرار دهد تا بر محور عقلانیت و معنویت، نسبت به عضو شدن در هر گروهی از گروه‌های مرجع تصمیم درستی بگیرند.^۲

"ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَالَهُمْ"^۳ و این بدان سبب است که کافران از باطل پیروی کردند و آنان که ایمان، آوردند از حقی که از جانب پروردگارشان آمده بود، پیروی کردند خدا برای مردم این‌چنین مثل می‌زند. در حوزه جامعه‌شناسی "رابرت کی مرتن" شاخص‌ترین نظریه-پردازی است که به شرح و بسط مفهوم گروه مرجع پرداخته است.^۴ مرتن در طرح نظریه گروه‌های مرجع بر این موضوع تأکید می‌کند که انسان‌ها در رفتارها و ارزیابی‌های خود جهت‌گیری‌هایشان را متناسب با گروه‌هایی که به عنوان چارچوب مرجع برمی‌گزینند، تنظیم می‌کنند.^۵

قرآن کریم در این خصوص به دوزخیانی اشاره می‌کند که عذر به درگاه الهی می‌برند و دوستان ناشایست را عامل دین‌گریزی خود معرفی می‌کنند " يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا " ای وای بر من! کاش فلانی را دوست خود

^۱ صدیق سروستانی، ص ۱۵۲

^۲ میر سندسی، سید محسن و سید مصطفی احمد زاده، ۱۳۹۳

^۳ محمد/۳

^۴ همان/۱۵۱

^۵ وثوقی و نیک خلق، ص ۲۰۹

^۶ فرقان/ ۲۸

نگرفته بودم. این آیه بیانگر آن است که دوستی آنها محلّ اعتماد و عمل آنها شده بود. افزون بر این، در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: "و كُنَّا نَحُوضُ مَعَ الْخَائِضِينَ"^۱ و پیوسته با اهل باطل هم‌نشین و هم‌صدا بودیم. انسان‌ها به دلایل مختلف (نظیر نیاز به احترام و آبرو و فشار هنجاری) عموماً خود را در زمینه‌هایی با عده‌ای مقایسه و ارزیابی می‌کنند. در این فرآیند، انسان ارزش‌ها و استانداردهای افراد یا گروه‌های دیگر را به عنوان یک قالب مقایسه و مرجع می‌گیرد. در این صورت، آن افراد یا گروه را گروه مرجع می‌نامند.^۲ لازم به ذکر است که مفهوم "گروه مرجع" در کاربرد کلی آن، به گروه‌های اجتماعی به معنای جامعه‌شناختی آن محدود نمی‌شود، بلکه شامل "دسته‌های اجتماعی"، "مجموعه‌های اجتماعی" و حتی "افراد" هم می‌گردد.^۳ انسانها برای نظارت بر رفتارهای خود و دیگران، نیاز به معیارهایی دارند که بخشی از آنها، از گروه مرجع اخذ می‌شود. گروه مرجع ممکن است مثبت یا منفی باشد. گروه مرجع مثبت، گروهی است که فرد معیارهای آن را رعایت می‌کند و گروه مرجع منفی گروهی است که فرد سعی در انکار و عدم رعایت معیارهای آن دارد.^۴ بنابر این گروه مرجع یا گروه الگو، به گروهی اطلاق می‌شود که فرد در مقایسه‌ها به آن مراجعه می‌کند و رفتار، منش و کردار آن را چه در جهت مثبت و چه در جهت منفی، ملاک خود قرار می‌دهد.^۵ گروه مرجع حالت آرمانی دارد و فرد در آرزوی نیل بدان بسر می‌برد و سعی می‌کند تا ارزش‌ها و هنجارهای آن را مدّ نظر داشته باشد. دوران جوانی به دلیل برخورداری آدمی از فطرت پاک و گرایش به آرمان‌های انسانی، آماده‌ترین دوره برای معرفی و بهره‌گیری درست از گروه‌های مرجع می‌باشد.

گروه هم‌سالان

گروه هم‌سالان و دوستان، به مجموعه‌ای از افراد با جایگاه اجتماعی مشابه و اغلب علائق مشترک اطلاق می‌شود که در برگیرنده پیوندهای شخصی قوی است و افراد عضو این گروه‌ها، همدیگر را کاملاً می‌شناسند و به هم ارجح می‌نهند و تقریباً هم‌سن و سال هستند.^۶ نیاز جوان به استقلال از خانواده، در سنین نوجوانی و جوانی، یکی از عواملی است که

^۱ مدثر/۴۵

^۲ تاجیک، ص ۲۷۷

^۳ صدیق سروستانی، ص ۱۶۲

^۴ صلیبی، ص ۲۸۸

^۵ بیات، ص ۲۷۷

^۶ وینتر و بیلوز، ص ۱۳۰

موجب گرایش جوانان به سوی گروه هم‌سالان می‌گردد. چنانچه پیامبر اکرم(ص) در تمثیلی زیبا در باره تأثیر دوست و همنشین صالح می‌فرماید: "مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ مَثَلُ الْعَطَارِ؛ اِنْ لَمْ يُعْطِكَ مِنْ عَطْرِهٖ اَصَابَكَ مِنْ رِيحِهٖ وَ مَثَلُ الْجَلِيسِ السُّوِّءِ مَثَلُ الْقَيْنِ؛ اِنْ لَمْ يُحْرِقْ ثَوْبَكَ اَصَابَكَ مِنْ رِيحِهٖ"^۱ مثل همنشین خوب، مثل عطر فروش است که اگر از عطرش به تو ندهد، از بوی عطرش به تو می‌رسد و حکایت همنشین بد، حکایت آهنگر است که اگر لباس تو را نسوزاند، بوی بدش تو را می‌گیرد.

بنابر این می‌توان گفت افراد و به ویژه جوانان، حجم عظیمی از اطلاعات و نگرش‌ها را از هم‌سالان و دوستان خود به صورت غیر رسمی فرا می‌گیرند. امام علی (ع) در این رابطه می‌فرماید: "فَمَنْ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ اَمْرُهُ وَ لَمْ تَعْرِفُوا دِيْنَهُ فَاَنْظُرُوْا اِلَى خُلَطَائِهٖ فَاِنْ كَانُوْا اَهْلَ دِيْنِ اللّٰهِ فَهُوَ عَلٰى دِيْنِ اللّٰهِ وَ اِنْ لَمْ يَكُوْنُوْا عَلٰى دِيْنِ اللّٰهِ فَلَا حَظَّ لَهٗ فِى دِيْنِ اللّٰهِ"^۲ هرگاه وضع کسی بر شما مشتبه شد و دین او را نشناختید، به دوستانش نظر کنید. اگر اهل دین و آیین خدا باشند، او نیز پیرو آیین خداست و اگر بر آیین خدا نباشند، او نیز بهره‌ای از آیین حق ندارد. گروه هم‌سالان و دوستان حس ارزشمند بودن را در فرد ایجاد می‌کنند. از آن جا که افراد مایلند دیگران آنها را دوست داشته باشند و به آنها احترام بگذارند- و در صورتی که تماس افراد با اعضای گروه ثابت و مستمر باشد- افراد غالباً ارزش‌ها و رفتار خود را به گونه‌ای جرح و تعدیل می‌کنند تا با انتظارات کسانی که با آنان تعامل دارند، هم‌خوانی داشته باشد. این امر به طور خاص در دوران نوجوانی و جوانی حائز اهمیت است که تماس با افراد هم‌سن، نوعی احساس امنیت را در نوجوان ایجاد می‌کند و حتی ممکن است رفتار وی را بیش از هر عامل دیگری شکل دهد.

افراد و گروه‌های الگو

یکی از نیازها و ویژگی‌های شخصیت جوان، الگویابی است که در راستای رشد و شکل‌گیری هویت وی رخ می‌دهد. مردم غالباً سعی دارند همانند یا شبیه کسی شوند که مورد علاقه یا تحسین آن‌هاست و این خود به اقتباس از باورها و نگرش‌های فرد مورد علاقه می‌انجامد.^۳ جوانان نیز به دنبال الگویی هستند که در راستای ارزش‌هایشان باشد، آن را دوست داشته باشند و سعی می‌کنند شخصیت خود را با آن منطبق کنند. روحیه قهرمان‌گرایی، کمال‌جویی و.. در انسان بویژه در جوانان عاملی در گرایش به سمت الگویابی و الگوپذیری می‌باشد زیرا از جمله ویژگی‌های انسان، فضیلت-خواهی و کمال‌گرایی اوست. از این رو هر گاه فضیلت و تعالی را در الگوهایی مانند شخصیت‌های دینی، سیاسی،

^۱ کنز العمال، ۲۴۷۳۶؛ فهرست میزان الحکمه ج ۱۰

^۲ حرّ عاملی، ج ۱۶؛ ص ۲۶۵

^۳ اتکینسون، ص ۱۵۸

اجتماعی، هنری و ورزشی می‌بیند در پی الگوبرداری از آنان در زندگی فردی و اجتماعی خویش بر می‌آید.^۱ متأسفانه در عصر حاضر یکی از مشکلات اساسی در حوزه جوانان، کمبود یا عدم شناخت الگوهای متناسب با ارزش‌ها و یا ناتوانی در الگوسازی و الگوشناسی است.

جستجوی الگوها و تازگی‌ها، به درجات مختلف، نزد هر نوجوان وجود دارد و گواه آن، نیاز وی به شکستن قالب‌های موجود تکراری است. نوجویی و جستجوی الگوهای مناسب یا حداقل الگوهای کهن و نه کهنه، به صورت یک آرمان برای نوجوانان و جوانان در آمده است. "موریس دبس" آن را یکی از مظاهر اساسی دوران نوجوانی و جوانی می‌داند که به اشکال گوناگون جلوه‌گر می‌شود.^۲ زیرا که نوجوانان همیشه به الگو و سرمشق نیاز داشته‌اند [به همین جهت] الگوهایی که امروز به آنان عرضه می‌شود، باید غنی و سرشار و متناسب با فرهنگ غالب جامعه (فرهنگ دینی) باشند.^۳ به دلیل نیاز به الگو و اهمیت نقش آن، قرآن کریم درس الگودهی را در ارسال پیامبر خاتم به سمت مردم گوشزد می‌فرماید: "لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ... يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ" خداوند بر مؤمنان منت نهاد و رسولی را از بین خودشان برانگیخت... تا به آنان دستورات دین و حکمت را بیاموزد.^۴

شاخصه‌های جوان قرآنی

قرآن کریم مؤلفه‌های خاصی را در شناخت الگو ارائه نموده و جوانان را به اِتِّصاف به این صفات دعوت می‌نماید: تقوا و پرهیزکاری: "وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ"^۵ از خدا پروا نمایید و بدانید خدا با پرهیزکاران است. داشتن ایمان و دوری از شرک: "يَا بَنِيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ"^۶ پسرم چیزی را همتای خدا قرار نده که شرک ظلم بزرگی است. عدالت طلبی: حمایت حضرت موسی (ع) از شخصی که مظلوم واقع شده بود "وَ دَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَى حِينِ غَفْلَةٍ مِنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يُقْتَلَانِ هَذَا مِنْ شِيعَتِهِ وَ هَذَا مِنْ عَدُوِّهِ فَاسْتِغَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ فَوَكَرَهُ مُوسَى فَقَضَى عَلَيْهِ"^۷ و موسی وارد شهر شد، در حالی که مردم [از ورودش] بی‌خبر بودند. پس در

^۱ شرفی، ص ۲۳

^۲ محسنی، ص ۱۰۳

^۳ خنیفر، ص ۲۰۵

^۴ آل عمران/ ۱۶۴

^۵ بقره/ ۱۹۴

^۶ لقمان/ ۱۳

^۷ قصص/ ۱۵

آنجا به دو مرد برخورد که با یکدیگر نزاع می‌کردند. این یکی از طرفدارنش و آن [دیگری] از دشمنانش بود. پس آن که از پیروان موسی بود، از او در برابر دشمنش یاری خواست. پس موسی [به حمایت از دوست خود] مشتت بر او زد که کار او را ساخت [و با همان مشت کشته شد].

کوشش و تلاش: تلاش و کوشش حضرت موسی (ع) در جوانی برای حضرت شعیب و بازگشت او به مصر همراه همسر و خانواده با ثروت فراوان: " فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَعَلِّي آتِيكُمْ مِنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ* فَلَمَّا أَتَاهَا نُودِيَ مِنْ شَاطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَنْ يَا مُوسَى إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ^۱" چون موسی آن مدت را به پایان برد و با خانواده اش رهسپار [مصر] شد، از جانب طور آتشی دید، به خانواده اش گفت درنگ کنید که من آتشی دیدم [می‌روم] شاید خبری از آن برای شما بیاورم یا پاره‌ای از آتش را می‌آورم تا گرم شوید. چون نزد آن آمد، از جانب راست آن وادی در آن جایگاه مبارک، از آن درخت ندا رسید که ای موسی یقیناً منم خدا، پروردگار جهانیان.

حق پذیر بودن جوان: "نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى^۲" ما داستان آنان [اصحاب کهف] را به حق برای تو بازگو می‌کنیم. آن‌ها جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آوردند و ما بر هدایتشان افزودیم.

شجاعت و شهامت: مقابله حضرت داود (ع) در برابر جالوت و شکست دادن وی: "وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ^۳" و داود [که جوانی کم سن و سال ولی مومن، شجاع و از یاران طالوت بود]، جالوت را [که فرمانده سپاه دشمن بود]، کشت و خداوند حکومت و حکمت به او عطا نمود و از آنچه میخواست به او آموخت.

عفت و پاکدامنی: حضرت یوسف (ع) را قهرمان پاکی و عفت معرفی می‌کند: " قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ^۴" گفت پناه بر خدا او پروردگار من است به من جای نیکو داده است.

پرهیز از افراط و تفریط: توصیه حضرت لقمان به فرزند جوان خود: "وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ^۱ در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن و از صدای خود بکاه.

^۱ قصص / ۲۹-۳۰

^۲ کهف / ۱۳

^۳ بقره / ۲۵۱

^۴ یوسف / ۲۳

خوش اخلاقی و تواضع در برابر مردم: توصیه حضرت لقمان به فرزند جوانش، " **وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمَشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ**"^۲، با بی اعتنایی از مردم روی مگردان و مغرورانه بر زمین راه مرو که خداوند هیچ متکبر مغروری را دوست ندارد.

عبادت و امر به معروف و نهی از منکر: سفارش حضرت لقمان به فرزندش: " **يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ**"^۳ پسرم نماز را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن.

صبر و شکیبایی: " **يَا بُنَيَّ... وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ**"^۴ ای فرزندم ... در برابر مصایبی که به تو می‌رسد شکیبا باش که این از کارهای مهم است.

نمونه‌های الگویی قرآن

قرآن کریم در حوزه اندیشه، ارزش‌ها و معاشرت اجتماعی، ضرورت وجود اسوه والگوه^۵ را بیان و الگوهای مناسبی را معرفی می‌نماید. الگوهای قرآنی، می‌تواند بهترین ملاک و معیار سنجش درستی، نادرستی و خوبی یا بدی اعمال و رفتار انسان‌ها باشد. چرا که الگوهای مطلوب و برجسته، عامل تحرک انسان‌ها به سوی کمال و تعالی هستند. این الگوها ضمن آنکه انجام کارهای سخت در زمینه‌های متفاوت را تسهیل می‌کنند، عامل پیشگیری از انحراف هستند. گرایش جوانان به سمت الگوهای برجسته، افکار آنان را منظم کرده، به آن‌ها تمرکز می‌بخشد تا بدین طریق بر ویژگی مهم دوران جوانی به خوبی فائق آیند. حالت جذب و انجذابی که در پرتو تماس و آشنایی با الگوها به جوانان دست می‌دهد چنان نیرومند است که توانایی به جریان انداختن توانایی‌های مکنون و بلا استفاده جوان را دارد^۶.

الف- الگوهای مثبت

برای نمونه، حضرت ابراهیم (ع) الگوی شهامت و شجاعت:

^۱لقمان / ۱۹

^۲رعد / ۷

^۳لقمان / ۱۷

^۴همان

" وَلَقَدْ آتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ. إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَائِلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ^۱ " ما وسیله رشد ابراهیم را از قبل به او دادیم و از شایستگی او آگاه بودیم. آن هنگام که به پدرش و قوم او گفت این مجسمه‌های بی‌روح چیست که شما همواره آن‌ها را پرستش می‌کنید؟... تا شکستن بتها بعد از اعلام بیزاری و اظهار دشمنی و دفاع از باور توحیدی تا پای جان.^۲

ب-الگوهای منفی

برای نمونه، همسر لوط و نوح، به رغم حضورشان در کنار پیامبران الهی، نمونه‌های قابل تأمل در کفر و خیانت هستند "ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَ امْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّاخِلِينَ"^۳ خداوند برای کسانی که کافر شده‌اند، به همسر نوح و همسر لوط مثل زده است، آن دو تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به آن دو خیانت کردند و ارتباط با این دو [پیامبر] سودی به حالشان [در برابر عذاب الهی] نداشت و به آن‌ها گفته شد: وارد آتش شوید همراه کسانی که وارد می‌شوند. خدا فراموشان: "وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ"^۴ و همچون کسانی که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به خود فراموشی گرفتار کرد، نباشید و آن‌ها فاسق و گنه‌کارند.

آسیب‌های حاصل از انتخاب نادرست گروه‌های مرجع

مرید پروری

در این نوع آسیب‌زایی، جوان، استقلال فکری خود را از دست داده و بدون تأمل، تمام حرکات خود را نه تنها در محدوده شایستگی‌های الگو، بلکه در تمامی زمینه‌ها، تابع الگوی مورد نظر قرار می‌دهد. پیامدهای این اشتباه، غالباً وقتی نمایان می‌شود که الگویی را که به حق در زمینه‌ای معین صاحب نظر است، در سایر زمینه‌ها نیز الگوی خویش پنداشته و او را شخصیتی جامع در تمام زمینه‌ها تلقی می‌کند. به عبارت دیگر الگوی خود را مراد خویش می‌بیند، و او را چنان می‌نگرد که گویی منشاء اولیه حق است.^۵ اگر چه قرآن به الگوپذیری دعوت می‌کند ولی به دنبال آن قید می‌زند که اگر

^۱ انبیاء/ ۵۱

^۲ انبیاء/ ۷۱-۵۳

^۳ تحریم/ ۱۰

^۴ حشر/ ۱۹

^۵ دهقان سیمکانی، ص ۹۱

الگو در مسیر نادرستی حرکت کرد فرد باید آگاه باشد و از انحراف‌های او پیروی نکند. خداوند پس از اینکه انسان را به احترام پدر و مادر و مهربانی نسبت به آن‌ها سفارش می‌کند "وَصَيِّبْنَا الْإِنْسَانَ بَوَالِدَيْهِ حُسْنًا"^۱، در عین حال در باره پدران و مادران بت پرست و عدم تبعیت از آن‌ها می‌فرماید: "وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا"^۲ و اگر در حق تو بکوشند که چیزی را که به [الوهیت و ربوبیت و قداست] آن علم نداری شریک من قرار دهی، هرگز از آنها اطاعت مکن. چه زیبا امیر مؤمنان علی(ع) در این باره می‌فرمایند: "مپندارید که گفتن حق بر من گران می‌آید و خواهم که مرا بزرگ انگارید، زیرا هر که شنیدن حق بر او گران آید، یا نتواند اندرز کسی را در باب عدالت بشنود، عمل کردن به حق و عدالت بر او دشوارتر است. پس با من از گفتن حق یا رأی زدن به عدل باز نایستید، زیرا من در نظر خود بزرگتر از آن نیستم که مرتکب خطا نشوم و در اعمال خود از خطا ایمن باشم، مگر آنکه خدا مرا در آنچه با نفس من رابطه دارد، کفایت کند، زیرا او توانا تر از من به من است، ما و شما بندگانیم هستیم در قبضه قدرت پروردگاری که پرورش دهنده‌ای جز او نیست.^۳ آسیبی که از ناحیه مرید پروری به جوان وارد می‌شود موجب می‌گردد که وی در الگو(مراد) خود متوقف بماند و همین امر او را از تقرب جستن به کمال بی پایان یعنی خداوند، باز می‌دارد. به بیان کوتاه، مریدپروری از جمله آسیب‌های اجتماعی بر سر راه الگوپذیری جوان می‌باشد.

بحران هویت

متغیرهای فراوان فردی، روان‌شناختی، فرهنگی و اجتماعی و... می‌توانند احساس هر فرد از هویت خویش را تغییر دهند. گروه‌های مرجع، یکی از متغیرهای تغییر هویت انسان می‌باشد که می‌تواند احساس هویت آدمی را دچار فراز و نشیب نماید. طبیعی است جوانی که به تبعیت از گروه‌های مرجع، استقلال فکری ندارد و ناتوان در پاسخ دادن به این سئوالات است که کیست؟ و جایگاه وی در عالم هستی کجاست؟ از کجا آمده؟ و برای چه آمده؟ و به کجا خواهد رفت؟ دچار بحران هویت گردیده است. این فرد از حقیقت وجودی خود، استعداد و توانمندی‌هایی که دارد، آگاهی لازم را ندارد و از هدف خلقت و نقشی که در نظام هستی بر عهده اوست، بی اطلاع است. بی تردید تفکر انسان و عمل او، شخصیتش را شکل می‌دهد و اگر تفکر فردی بر اساس جهان بینی مستقل، استقرار یابد، کم‌کم شخصیت او به استقلال خواهد رسید و در عین وابستگی به خدا وارسته خواهد شد. شهید مطهری ضمن تأکید بر پرهیز نمودن از الگو-پذیری‌های غلط و ناشایست، در رابطه با استقلال فکری چنین بیان می‌دارد که: "تبعیت از مد و لباس، غذا خوردن و گفتن بای بای و گودبای و اسم فرنگی روی بچه‌ها گذاشتن، غذای فرنگی خوردن و لباس فرنگی پوشیدن، نشانه عدم

^۱ احقاف / ۱۵

^۲ لقمان / ۱۵

^۳ نهج البلاغه، خطبه ۲۰۷

استقلال فکری است... البته لازمه استقلال فکری این نیست که حقایق علمی دیگران را نگیریم و یا تمدن خارجی را اقتباس نکنیم، استقلال فکر با اقتباس خوبی‌های ملل دیگر منافات ندارد^۱.

قرآن کریم به صراحت ماجرای کسانی را بیان می‌کند که هویت واقعی خود را باخته، از پوست خود در آمده و گونه-ای دیگر شده‌اند "وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ أُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ"^۲ و هم‌چون کسانی که خدا را فراموش کردند و خدا نیز آنها را به خود فراموشی گرفتار کرد نباشید، و آنها فاسق و گنه‌کارند. دگرگونی‌های مورد نظر قرآن کریم در انسان‌ها و به تعبیر دیگر تغییر یا تبدیل هویت انسان‌ها- هر چند در نهایت دارای یک منشاء مخالفت با فرمان خدای متعال که همان مخالفت با فطرت است، می‌باشد- دست کم در دو سطح اتفاق افتاده است که اولین آن تغییر هم‌زمان با تبدیل بنیادی در جسم و روان و دومین آن تغییر و تبدیل فقط در بعد روانی انسان‌هاست.

نشانه‌های بحران هویت از دیدگاه قرآن را می‌توان در تزیین اعمال (که آدمی با القای شیطان، رفتارهای ناپسند خود را پسندیده بیندارد)، تعلق افراطی به دنیا (وابستگی متعادل به دنیا جزو طبیعت انسان است)، حب افراطی به نفس (به-گونه‌ای که همه چیز را فدای رسیدن به لذات خود کند و حاضر نباشد خود را برای ارزش والاتری فدا نماید) و خروج از مرز تعادل اخلاقی دانست. هم‌چنین ویژگی‌هایی از قبیل قساوت دل، انعطاف‌ناپذیری در برابر کلام حق، موعظه‌ناپذیری و زنگار زدن دل و آنچه را قرآن کریم با تعبیر "رین" "بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ"^۳، "زینغ" "فِي قُلُوبِهِمْ زِينٌ"^۴، "طیع" "طَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ"^۵، "ختم" "خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةٌ"^۶، بیان می‌کند.^۷ اولین صدمه ناشی از احساس بی‌هویتی یا بحران هویت، ضربه‌ای است که بر عزت نفس آدمی وارد می‌شود و بستر برای هر شر و فساد آماده می‌گردد. "مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ"^۸ از شر کسی که برای خود ارزش و احترام قائل نیست، در امان مباش. از آثار زیان‌بار و ناگوار بحران هویت فردی می‌توان به از دست دادن زمان، غلبه حزن و

^۱ مطهری، صص ۱۷، ۶۳۱

^۲ اعراف/ ۶۶ و ۱۷۵

^۳ مطفین/ ۱۴۹

^۴ آل عمران/ ۷

^۵ توبه/ ۸۷

^۶ بقره/ ۷

^۷ متقی فر، ص ۹۰

^۸ مجلسی، ج ۷۵، ص ۳۶۵، ح ۱

نامیدی، فقدان فلسفه زندگی، فرار از مسئولیت، از خود بیگانگی^۱ و هویت اجتماعی به گرایش به مدهای غربی، مصرف مواد مخدر، منفعل بودن، کم توجهی و کم علاقه‌گی به مسائل دینی و... در میان جوانان اشاره نمود.

*راهکارها

برای دستیابی به راهکارهای بهینه و کارآمد در ارتباط با پیشگیری از آسیب اجتماعی هویتی، بویژه در میان جوانان نیازمند برداشتن گام‌های بنیادین زیر هستیم:

تحقیق و شناسایی جامع و همه جانبه از مسأله

ضرورت برنامه‌ریزی در جهت تدوین برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت و اجرای برنامه های مدون و ارزیابی مستمر از کارکردها و عملکردها.

پیامبر(ص) در رابطه با لزوم برنامه ریزی و استفاده از فرصت‌ها می‌فرماید: "الْأُمُورُ مَرْهُونَةٌ بِأَوْقَاتِهَا"^۲ هر کاری در گرو زمان خودش است. زیرا "أَضَاعَهُ الْفُرْصَةَ غُصَّةً"^۳ ضایع کردن فرصتها [در مسیر غیر صحیح] غصه می‌آورد.

کنترل اجتماعی: کنترل ارتباط جوانان با دوستان و گروه‌هایی که می‌توانند در حکم گروه‌های مرجع باشند. بر اساس نظریه "کنترل"، دورکیم معتقد است ناهمنوایی و هنجارشکنی و کجروی افراد ریشه در عدم کنترل صحیح و کارآی آنان دارد، به طوری که هر چه میزان کنترل اجتماعی بیشتر باشد نظارت‌های گوناگون از راه‌های رسمی و غیر رسمی، بیرونی و درونی، مستقیم و غیر مستقیم توسط والدین و جامعه وجود داشته باشد و حساسیت مردم و مسئولان افزایش یابد، میزان هم‌نوایی مردم بیشتر خواهد بود.^۴ در اسلام وجوب امر به معروف و نهی از منکر، مکلف بودن به احساس مسئولیت در قبال دیگران و موظف بودن به مراقبت از دیگران، اموری است که درحوزه فقه و شریعت اسلامی به آن توجه ویژه‌ای صورت گرفته است تا جایی که غایت دین^۵ شمرده شده "لَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ

^۱متقی فر، صص ۸-۹۶

^۲حکیمی، ج ۱، حدیث ۱۲۹۵

^۳نهج البلاغه، حکمت ۱۱۸

^۴فولادی، ص ۵۶

^۵غایه‌الدین الامر بالمعروف و النهی عن المنکر و اقامه الحدود: غایت دین، امر به معروف و نهی از منکر و اقامه حدود است. غرر الحکم و دررالکلم، ج ۲، ص ۴۵

الْأَرْضُ^۱ یعنی اگر خداوند، افراد را توسط همدیگر دفع نکرده بود زمین به فساد کشیده می‌شد. به عبارت دیگر، انسان-ها از طریق نظارت بر همدیگر مانع فساد شدن جامعه می‌گردند. یکی از وجوه دفع انسان‌ها توسط همدیگر این است که بعضی از مردم جلو فساد بعض دیگر را می‌گیرند^۲. همچنین مرحوم علامه طباطبایی (ره) در تفسیر فساد می‌پذیرند که منظور از فساد زمین، فساد جامعه انسانی است^۳. بنابراین انسان‌ها، با امر به معروف و نهی از منکر می‌توانند جلو فساد در جامعه را گرفته و از این طریق هنجارشکنی‌های اجتماعی را کنترل نمایند.

بالا بردن عزت نفس جوان: روایات متعددی به اهمیت کسب عزت نفس در جوانی اشاره دارد. پیامبر اکرم (ص) در این خصوص می‌فرماید: "الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ..."^۴ فرزند، هفت سال مولی، هفت سال بنده و هفت سال وزیر است.

تقویت و سالم‌سازی افراد و اجتماع و به تعبیر قرآنی، تقوای اجتماعی و فردی مهم‌ترین راهکار برای پیش‌گیری از هر گونه آسیب و انحراف اجتماعی می‌باشد. "يَهْدِي بِهِ اللّٰهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ اِلَى النُّورِ بِاِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ اِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ"^۵ خداوند به سبب آن، کسانی را که خشنودی او را می‌جویند به راه‌های سلامتی هدایت می‌کند، و به اذن خویش ایشان را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون می‌برد، و به راه راست هدایت می‌نماید.

ارائه الگوهای مناسب (دارای اعتبار و جذابیت) دو عنصر مذکور در کنار یکدیگر انگیزه هم‌سان‌سازی را در جوان افزایش می‌دهند. هم‌چنین استفاده و بهره‌گیری از شیوه‌های علمی و روش‌های معقول و مشروع تبلیغات رسانه‌ای برای معرفی الگوهای حقیقی و پاسخگو به نیازهای واقعی جوانان.

تربیت صحیح الگوهای هنری و ورزشی با توجه به علاقه زیاد جوانان در این حوزه.

توجه به صلاحیت‌های علمی و اخلاقی و به تعبیر دیگر "تخصص" و "تعهد" الگوها (از شرایط افراد شایسته).

^۱ بقره/۲۵۱

^۲ طبرسی، ج ۲، ص ۶۲۱

^۳ طباطبایی، ج ۲، ص ۲۹۳

^۴ مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۲۶

^۵ مائده/۱۶

آگاهی‌بخشی و آموزش جوانان برای شناسایی استعدادها و شایستگی‌های ذاتی خود و کمک به جوانان در تشخیص الگوهای واقعی از الگوهای کاذب و غیر واقعی.

مهمترین راهکار:

افزایش و ارتقای توان تفکر و تعقل در جوانان و ترویج عقلانیت در میان آنان^۱

"قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ"^۲ بگو: آیا مساویند کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند؟ جز این نیست که فقط خردمندان متذکر می‌شوند.

جوانان باید عمیقاً بفهمند که کمال حقیقی آدمی به اموری از قبیل پول و ثروت، مقام و قدرت و غیر آنها از نعمت‌های مادی نیست، وانگهی موفقیت یک فرد در یکی از این زمینه‌ها اگر مسلم باشد، باز دلیل صحت آراء و نظریات او در دیگر زمینه‌ها و به ویژه دلیل درستی همه رفتارهای فردی و اجتماعی‌اش نیست^۳. ثمره تعقل و تفکر، استقلال فکری و قدرت تجزیه و تحلیل افراد جامعه، بویژه جوانان که در حساسترین مراحل رشد فکری قرار دارند، است.

نتیجه‌گیری

اهمیت دوران جوانی به گونه‌ای است که دین مبین اسلام همواره به اشکال مختلف دعوت به استفاده بهینه و پرثمر از این مقطع عمر می‌نماید، به گونه‌ای که پیامبر اکرم (ص) ابوذر غفاری را به بهره‌برداری هر چه بیشتر از جوانی سفارش می‌کند " يَا أَبَاذَرٍّ إغْتَنِمْ خَمْسًا قَبْلَ خَمْسِ شَبَابِكَ قَبْلَ هَرَمِكَ وَ..."^۴، ای ابوذر؛ پیش از آنکه پنج چیز به تو روی آورد، پنج چیز را غنیمت شمار: جوانی را پیش از پیری و... . هویت فردی یا شخصیت، پدیده‌ای اجتماعی و اکتسابی است که فرد بر اثر جامعه‌پذیر شدن آن را کسب می‌کند و به صورت کردار، رفتار و گفتار از خود بروز می‌دهد، گرچه ممکن است ریشه ارثی، زیستی و غریزی داشته باشد ولی بیشتر منشاء اجتماعی و فرهنگی دارد^۵.

^۱ دستور به تعقل و سرزنش شدید کسانی که تعقل نمی‌کنند و بیان این که مرز حیوان و انسان تعقل است در آیات زیر آمده: بقره/۷۳-۷۵-۹۷-۲۴۲ و آل عمران/۶۵ و ۶۶ و ...

^۲ زمر/۹

^۳ مصباح یزدی، ص ۲۲۴

^۴ وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۱۱۴

^۵ سیف‌اللهی، ص ۴۴۴

قرآن در مورد هویت و ویژگی‌های جوانان گزارش و ارزش‌گذاری چشم‌گیری دارد و آنان را دارای قدرتی می‌داند که در بعد روحی‌اش به خیرخواهی^۱، آرمان‌گرایی، ستیز با فساد محیط^۲، هم‌گرایی و الگوپذیری^۳ قابل تفسیر می‌باشد. هدف در آموزه‌های اسلامی نیز، پیروی از الگوها، جهت‌دستیابی فرد به حق و حقیقت از طریق رشد و تعالی فکری و معرفتی است. بنابر این جوان باید ضمن پیروی آگاهانه از گروه‌های مرجع (فردی، گروهی) الگوپذیری را صرفاً در راستای پرورش صحیح استعدادهای درونی خود و نه تقلیدی کورکورانه و خالی از اندیشه و تأمل قرار دهد.

فقدان الگوی مناسب و یا عدم اقتدا به الگوهای مناسب در برخورد با انحرافات، جامعه را در ابهام و سرگردانی قرار داده و خسارت‌های جبران‌ناپذیری را به دنبال خواهد داشت. به همین جهت نابسامانی‌های اعتقادی و تشکیل هویت‌های مجازی و فضاهای اجتماعی که گروه‌های مرجع، به عنوان یکی از اثرگذارترین آن‌ها در تشکیل هویت فرد ایفای نقش می‌کنند، موجب از هم پاشیدگی نظام روانی و اعتقادی جوان می‌شود. البته جای تردید نیست هر چه گروه‌های مرجع کاملتر باشند، نقش بهتری را برای رشد و تعالی جوان فراهم می‌کنند و سبب ایجاد هنجارهای مطلوب در خانواده و جامعه می‌شوند.

حاصل آنکه، پیروی از گروه‌های مرجع، یکی از راه‌های مؤثر در جامعه‌پذیری جوانان می‌باشد ولی گاهی با آسیب‌هایی چون مریدپروری و بحران هویت مواجه است که علت اصلی آن دوری از اندیشه و تعقل است. جوان باید ضمن پیروی آگاهانه از گروه‌های مرجع (فردی، گروهی) الگوپذیری را صرفاً در راستای پرورش صحیح استعدادهای درونی خود و نه تقلیدی کورکورانه و خالی از اندیشه و تأمل قرار دهد. انتخاب الگو، اگر آگاهانه، با دقت و با رعایت شرایط در الگوها صورت پذیرد، آثار مثبتی به دنبال خواهد داشت در غیر اینصورت جوان را دچار اشتباهات و آفات و در نتیجه سقوط از مقام انسانیت خواهد نمود. با آگاهی از نیازها و خواسته‌های نوجوانان و جوانان میتوان از وقوع آسیب‌ها و تنش‌های اجتماعی پیش‌گیری کرد و از ریزش و اتلاف نیروی انسانی جلوگیری نمود.

منابع

۱. ابن ابی الحدید، عبدالحمید، ۱۴۰۴ق، شرح نهج البلاغه، مکتبه المرعشی النجفی، قم.
۲. اتکینسون، ریتا و دیگران، ۱۳۸۵، زمینه روانشناسی، ترجمه محمد تقی براهنی و همکاران، رشد، تهران

^۱ یوسف/۲۲-۱۲

^۲ یوسف/۲۳

^۳ کهف/۱۸-۱۰

^۴ سلیمانی فر، ص ۵۴

۳. احدی، حسن، ۱۳۸۰، جهرمی، روانشناسی رشد، نشر مرکز، تهران
۴. احمدی، خدابخش، ۱۳۸۹، «آسیب پذیری فرهنگی، اجتماعی و تربیتی در نوجوانان و جوانان»، دوره چهارم، شماره ۳، صص ۲۴۶-۲۴۱
۵. اشرفی، احمد، ۱۳۷۷، بررسی بی هویتی اجتماعی و گرایش به غرب، بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش نوجوانان به الگوهای فرهنگ غربی، رپ و هوی متال، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
۶. اورت ام، راجرز و شومیکراف، فلوید، ۱۳۷۹، رسانش نوآوری‌ها، رهیافتی میان فرهنگی، ترجمه عزت الله کرمی و ابوطالب، هویت اجتماعی و پیشگیری از انحرافات اجتماعی، شماره ۱۱ و ۱۲، فصلنامه علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
۷. آریانپور کاشانی، عباس، ۱۳۸۰، فرهنگ کامل انگلیسی - فارسی، امیر کبیر، تهران
۸. آزاد ارمکی، تقی، ۱۳۸۱، روند تغییرات فرهنگی، اجتماعی خانواده تهرانی طی سه نسل، شماره ۴۴-۴۵، فصلنامه علمی، پژوهشی دانشگده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
۹. آقاجانی، نصرالله، ۱۳۸۱، «استراتژی قرآن در مواجهه با انحرافات اجتماعی»، مطالعات راهبردی زنان، شماره ۱۷، قسمت اول.
۱۰. الآمدی، عبدالواحد، ۱۴۷۰، غررالاحکم و دررالکم، مؤسسه الا علمی للمطبوعات، بیروت.
۱۱. بیات، عبدالرسول و دیگران، ۱۳۸۶، فرهنگ واژه‌ها، اندیشه و فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، قم
۱۲. تاجیک، محمد رضا، ۱۳۸۱، جامعه ایران و شکاف میان نسله‌ها، شماره ۲۶، راهبرد، تهران.
۱۳. حاجی، محمدعلی، ۱۳۸۷، «آسیب شناسی تربیت دینی»، دانش نامه امام علی علیه السلام، تهران، زیر نظر علی اکبر رشاد، ج ۴، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، مؤسسه آل‌البیت، قم
۱۵. حکیمی، علی و محمدرضا حکیمی، الحیاه، مترجم احمد آرام، ناشر دلیل ما، تهران
۱۶. خمینی، روح الله، ۱۳۶۵، صحیفه نور، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران.
۱۷. خنیفر، حسین، ۱۳۸۰، در آمدی بر اصول پیشگیری از آسیب‌مندی تربیت دینی، تربیت اسلامی، تهران.
۱۸. دهقان سیمکانی، رحیم، ۱۳۹۲، «چالش عمده در تربیت الگویی، تقلید کورکورانه و راه برون رفت از آن»، فصلنامه پژوهش نامه تربیت تبلیغی، سال اول، ش ۲ تابستان، صص ۸۳-۱۰۴
۱۹. سلیمانی فر، ثریا، ۱۳۸۵، شخصیت جوان از دیدگاه قرآن و عترت، بینات، ۷۳-۵۱، شماره ۵۱
۲۰. سهراب زاده، مهران، ۱۳۸۹، فرهنگنامه آسیب‌های اجتماعی، تهران، معاونت امور اجتماعی و فرهنگی اداره کل مطالعات اجتماعی و فرهنگی

۲۱. سیاسی، علی اکبر، ۱۳۸۳، روان شناسی - شخصیت جوان از دیدگاه قرآن، حدیث و علم روانشناسی، تهران، فرهنگ مکتوب، چاپ دوم
۲۲. سیف الهی، سیف الله، ۱۳۸۶، جامعه شناسی مسائل اجتماعی ایران، مجموعه مقاله‌ها و نظرها، تهران، انتشارات جامعه پژوهان سینا
۲۳. شرفی، محمد رضا، ۱۳۶۸، مراحل رشد و تحول انسان، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۴.، ۱۳۷۹، جوان و نیروی چهارم زندگی، تهیه و تنظیم دفتر مشاور رئیس سازمان صدا و سیما در امور جوانان، تهران، سروش.
۲۵. شریف رضی، محمد حسین، سید رضی، ۱۳۸۴، خصائص الائمه، بنیاد پژوهشهای آستان قدس رضوی، نسخه دیجیتالی
۲۶. شریفی، اسماعیل و اکرم کاکاوندی، ۱۳۸۹، رابطه سرمایه اجتماعی خانواده با هویت جوانان، شماره ۴، دو فصلنامه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، تهران.
۲۷. شعبه حرّانی، حسین بن علی، ۱۳۷۷، تحف العقول، مصحح علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین.
۲۸. شهریارى نسب، سروش، ۱۳۹۴، «بررسی تاثیر ناخودآگاه در شکل‌گیری هویت انسان»، سراج منیر، سال ۶، تابستان، ش ۱۹
۲۹. صدیق سروستانی، رحمت الله، ۱۳۸۱، «گروه‌های مرجع در جامعه‌شناسی و روانشناسی اجتماعی با تأکید بر نظریه‌های مرتن و فستینگر»، نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰، صص ۱۶۷-۱۴۹
۳۰. صلیبی، ژانست، ۱۳۸۱، فرهنگ توصیفی روانشناسی اجتماعی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی
۳۱. طبرسی، حسن بن فضل، ۱۳۶۵، مکارم الأخلاق، ترجمه سید ابراهیم میرباقری، ج ۱، تهران، نشر فراهانی.
۳۲. عمید، حسن، ۱۳۷۵، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر
۳۳. فلسفی، محمد تقی، ۱۳۹۰، جوان از نظر عقل و احساسات، دوره دوجلدی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۳۴. فولادی، محمد، ۱۳۸۴، «علل و عوامل آسیب‌های اجتماعی و راه‌های پیشگیری آن»، معرفت، قم، شماره ۹۱، صص ۳۵-۴۶
۳۵. قمی، عباس، ۱۴۱۴ق، سفینه البحار، تهران، نشر اسوه.
۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۶ق، کافی، مصحح علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۴ق، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء
۳۸. لطف آبادی، حسین، ۱۳۹۵، روانشناسی رشد ۲، تهران، انتشارات سمت.
۳۹. متقی فر، غلامرضا، ۱۳۸۳، «هویت و بحران هویت با تأکید بر دوران جوانی»، معرفت شماره ۸۷، اسفند، صص ۸۶-۱۰۱

۴۰. محسنی تبریزی، علیرضا، ۱۳۸۳، وندالیسم، چاپ اول، تهران، نشر آل
۴۱. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۷۸، جامعه و تاریخ از دیدگاه قران، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، نشر بین الملل
۴۲. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۸، مجموعه آثار، ج ۱۷، تهران، انتشارات صدرا.
۴۳. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۱، عدل الهی، تهران، انتشارات صدرا.
۴۴. معین، محمد، ۱۳۸۸، فرهنگ معین، تهران، امیر کبیر
۴۵. مهدیزاده، حسین، ۱۳۸۰، آسیب شناسی دین گرایی جوانان با الهام از کلام و سیره امام علی، ع، تهران، تربیت اسلامی
۴۶. نوری، حسین، بی تا، مستدرک الوسائل، قم، موسسه اسماعیلیان
۴۷. وثوقی، منصور، ۱۳۷۰، مبانی جامعه شناسی، بی جا، خردمند